

الیاس - شماره چهارده

موازی نبوتی: از میلی‌ری‌ها تا Future for America در روح ایلیا

Jeff Pippenger

2023-10-21

در زمان پایان در سال ۱۷۹۸، پیام نبوی رود اولای در فصل‌های هشت و نه دانیال گشوده شد، و ویلیام میلر در روح و قوت ایلیا برانگیخته شد تا نزدیکی داوری خدا را اعلام کند.

به ویلیام میلر و همکارانش عطا شد که این هشدار را در آمریکا موعظه کنند. این کشور به مرکز جنبش عظیم ادونت مبدل شد. در اینجا بود که نبوت پیام فرشته اول مستقیم‌ترین تحقق خود را یافت. نوشته‌های میلر و یارانش به سرزمین‌های دوردست برده شد. در هر جا که میسیونران در سراسر جهان نفوذ کرده بودند، بشارت بازگشت قریب‌الوقوع مسیح فرستاده شد. این پیام انجیل جاودانی به دور و نزدیک منتشر گردید: «از خدا بترسید و او را تمجید نمایید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است.» نبرد عظیم، ۳۶۸.

در زمان آخر در سال ۱۹۸۹، پیام نبوی نهر حدیقل در باب‌های دهم تا دوازدهم دانیال از مهر و ختم گشوده شد، و «آینده برای آمریکا» در روح و قوت ایلیا برانگیخته گردید تا نزدیکی داوری خدا را اعلام کند.

میلری‌ها آغاز داوری را اعلام کردند، و «فیوچر فور آمریکا» پایان داوری را اعلام می‌کند. چارچوب نبوی میلری‌ها عبارت بود از دو قدرت ویرانگر بت‌پرستی، که پس از آن پاپ‌گرایی می‌آمد. چارچوب نبوی «فیوچر فور آمریکا» سه قدرت ویرانگر بت‌پرستی است، که پس از آن پاپ‌گرایی می‌آید و سپس پروتستان‌تیسیم مرتد.

میلری‌ها به عنوان فیلادلفیاییان آغاز کردند و به لائودیکیه‌ایان انتقال یافتند. فیوچر فور آمریکا به عنوان لائودیکیه‌ایان آغاز کرد و به فیلادلفیاییان انتقال می‌یابد. انتقال از فیلادلفیا به لائودیکیه برای میلری‌ها در ارتباط با مرگ ایلیا و پیام او درباره سوگند موسی بود. انتقال فیوچر فور آمریکا در ارتباط با مرگ و رستخیز ایلیا و موسی در مکاشفه یازده است.

در آغاز داوری در سال ۱۸۴۴، میلری‌ها کار ایلیا را بر کوه کرمل به انجام رسانده بودند. در پایان داوری، در هنگام قانون یک‌شنبه، جنبش «آینده برای آمریکا» کار ایلیا را بر کوه کرمل به انجام رسانده خواهد بود. در تاریخ میلری، سه نشان راه نبوت شصت و پنج ساله که در اشعیا فصل هفت، آیه هشت، مشخص شده‌اند، تکرار شدند؛ آنگاه که دو ملت با یکدیگر متحد شدند تا به صورت یک ملت درآیند و شاخ پروتستان وحش زمینی مکاشفه سیزده را برپا سازند. در تاریخ «آینده برای آمریکا»، سه نشان راه همان شصت و پنج سال تکرار می‌شوند، هنگامی که دو ملت با هم گرد می‌آیند تا شاخ جمهوری‌خواهی را تشکیل دهند که همچون اژدها سخن می‌گوید.

نخستین آن سه نشانه راه در تاریخ نبوی Future for America، زمان پایان در سال ۱۹۸۹ بود. دومین، یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بود و سومین، قانون یک‌شنبه به‌زودی آمدنی خواهد بود. در تاریخ میلریتی، توالی نشانه‌های راهی که در اشعیا هفت شناسایی شده‌اند، نسبت به توالی نشانه‌های راه در تاریخ اشعیا معکوس بود. در تاریخ Future for America، این توالی با نخستین ارجاع شصت و پنج سال منطبق است، هرچند در پایان دیگر هیچ عنصری از زمان باقی نمی‌ماند. از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هرگونه کاربرد زمان نبوی، فریبی شیطانی است.

توجیه نبوی پایبندی به توالی سه نشانه، آن گونه که در اشعیا هفت بیان شده‌اند، در برابر ترتیب معکوس آنها در تاریخ میلری، تا اندازه‌ای بر قاعده نخستین اشاره مبتنی است. ترتیب شصت و پنج سال نخستین بار در اشعیا هفت ذکر شده است، و هرچند دیگر عنصری از زمان شصت و پنج ساله وجود ندارد، هنگامی که تحقق نهایی تاریخ نبوی‌ای که با آن سال‌ها نمود یافته است در جنبش پایان روی می‌دهد، آن سه نشانه همچنان مشخص می‌شوند و ترتیب خود را همان گونه که در تاریخ اشعیا آمده است حفظ می‌کنند.

دومین دلیل برای حفظ ترتیب نخست نشانه‌های راه، رابطه تاریخ میلریتی است که در آن شصت و پنج سال به انجام رسید، و نیز پیوستگی‌ای که جنبش میلری با جنبش Future for America دارد. تاریخ میلریتی آغاز بود و Future for America پایان است.

جنبش میلریتی‌ها در سال 1863 پایان یافت، هنگامی که کلیسای ادونتیست روز هفتم به صورت قانونی سازمان یافت. در آن زمان، پیام‌آور ایلیا که در وقت آخر در سال 1798، هنگامی که رؤیای نهر اولای از مهر گشوده شد، آمده بود، خاموش گردید و مهر و موم شد. در سال 1989، در وقت آخر، هنگامی که رؤیای نهر حداقل از مهر گشوده شد، پیام‌آور ایلیا بازگشت.

توجیه سومی برای حفظ ترتیب اصلی نشانه‌های راه، در خط نبوت یافت می‌شود که به حیوان زمین و دو شاخ آن می‌پردازد. در تاریخ میلری، دو ملت به هم پیوستند تا شاخ پروتستانیسم را تشکیل دهند. در تاریخ Future for America، دو شاخ پروتستانیسم مرتد و جمهوری‌خواهی مرتد به هم خواهند پیوست تا آن یک ملتی را تشکیل دهند که هم «تصویری از» آن حیوان است، و هم «تصویری برای» آن. آن دو ملتی که در تاریخ پایانی با هم متحد می‌شوند تا شاخ واحد کلیسا و دولت را تشکیل دهند، در قانون یکشنبه به آن تحقق می‌رسند.

هنگامی که صورت وحش به طور کامل تکامل یابد، فرجام آن با توانایی‌اش در به تصویب رساندن قانون یکشنبه گواهی می‌شود. تکامل آن صورت فرایندی در طول زمان است، اما نشان وحش نقطه‌ای در زمان است. زمان تکامل آن صورت با چهل و شش سالی نشان داده می‌شود که هیکل از 1798 تا 1844 برپا می‌شد. شاخ جمهوری خواه در دوره‌ای از زمان که صورت وحش در حال تکامل است، هیکلی دینی-سیاسی برپا می‌سازد.

توسعه تصویر وحش، از دیدگاه نبوتی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. آن بحران، ظهور «قانون میهن دوستی» را رقم زد؛ قانونی که تغییر در حقوق اساسی را از مبنای حقوق انگلستان به مبنای حقوق روم نشان داد. حقوق انگلستان بر این اصل استوار است که انسان بی‌گناه است تا هنگامی که گناهکار بودن او ثابت شود، و حقوق روم بر این اصل استوار است که انسان گناهکار است تا هنگامی که بی‌گناهی او ثابت شود.

معبد سیاسی‌ای که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه برپا می‌شود، همچنین به وسیله شکل‌گیری تصویر وحش به تصویر کشیده شده است. زمان نبوی دیگر قابل اعمال نیست؛ از این رو، آن چهل و شش سالی که شاخ پروتستانیسم معبد روحانی را بنا کرد، بیانگر یک دوره است، نه یک نقطه در زمان، که در آن شاخ جمهوری‌خواهی معبد دینی-سیاسی خود را برپا می‌سازد.

سه توجیه اصلی برای به کار بردن همان توالی سه نشانه راه شصت و پنج سال مذکور در اشعیا هفت عبارت‌اند از: نخست، قاعده نخستین اشاره؛ 742 ق.م و 723 ق.م و 677 ق.م، یعنی نوزده سال و سپس چهل و شش سال. در تاریخ میلری، این ترتیب معکوس بود؛ 1798، 1844 و 1863، یعنی چهل و شش سال و سپس نوزده سال.

دومین توجیه، تداوم پیام نقش و کار ایلیا است. ایلیا در زمان آخر در سال 1798 ظاهر شد، هنگامی که کتاب دانیال گشوده شد (دانیال 8:14)، و سپس در فاصله 1840 تا 1844 به صحنه نبرد کوه کرمل آمد، و آنگاه در سال 1863 همراه با الهیات رسم و سنت مهر و موم شد. ایلیا بار دیگر در زمان آخر در سال 1989 ظاهر شد، هنگامی که کتاب دانیال گشوده شد. او به گونه ای نبوی تا 11 سپتامبر 2001 پیش رفت، جایی که نبرد کوه کرمل آغاز می شود، تا آنکه در قانون یکشنبه ای که به زودی خواهد آمد پایان یابد. تداوم نقش و کار ایلیا، توالی نشانه های راه را که در اشعیا هفت شناسایی شده اند، تأیید می کند.

پس منظر دو شاخ وحش زمین آشکار می سازد که هر دو شاخ از دو قدرت به یک قدرت انتقال می یابند؛ یکی در آغاز و دیگری در پایان پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس. هنگامی که دو چوب مربوط به آغاز یا پایان گرد آورده شده و چون یک ملت به هم پیوسته می شوند، چنین نمود می یابند که یا در آغاز هیکل روحانی بنا می کنند، یا در پایان هیکل روحانی دینی-سیاسی. هیکل جعلی، تصویری از هیکل پاپی است، جایی که پاپ در هیکل خدا نشسته، خود را خدا اعلام می کند.

هرگاه ایالات متحده در مسئله قانون یکشنبه همچون اژدها سخن بگوید، همان صورت را به انجام خواهد رسانید، زیرا معبدی جعلی بنا کرده خواهد بود که در آن کلیسا و دولت در یک عصا با هم متحد شده اند، و کلیسا بر این رابطه حاکم خواهد بود.

در اشعیا باب هفت، نبی، اشعیا، پسر خود را برگرفت تا پیام را نزد پادشاه آحاز، در کنار مجرای برکه^۱ بالایی، در راه زمین گازران، اعلام کند.

آنگاه خداوند به اشعیا فرمود: اکنون تو و پسرت، شیاریاشوب، بیرون بروید و در انتهای نهر استخر بالا، در راه مزرعه گازران، به ملاقات آحاز بروید. اشعیا ۷:۳.

واژه «شیعاریاشوب» به این معناست که «باقیمانده ای بازخواهد گشت». باقیمانده جنبش آغازین میلیری ها در جنبش Future for America در سال 1989 بازگشت. اشعیا و پسرش، از طریق رابطه پدر و پسر خود، نمایانگر یک آغاز و یک پایان هستند. آنان روح ایلیا را منتقل می کنند؛ همان روحی که قرار بود دل های پدران را به سوی فرزندان و دل های فرزندان را به سوی پدران بازگرداند. اشعیا پیامی ایلیایی را به آحاز پادشاه شریر اعلام می کرد. آحاز، در میان دیگر اعمال شریرانه، به این شناخته می شود که خدمات قدس را تعطیل کرد و به جای آن، نسخه ای از یک معبد آشوری برپا ساخت.

آحاز بیست ساله بود هنگامی که به پادشاهی رسید، و شانزده سال در اورشلیم سلطنت کرد؛ و آنچه را که در نظر یهوه خدای او راست بود، مانند داود پدرش، به جا نیاورد. بلکه به راه پادشاهان اسرائیل رفت، و حتی پسر خود را از میان آتش گذرانید، موافق رجاسات امت هایی که یهوه از پیش روی بنی اسرائیل بیرون رانده بود. و بر مکان های بلند و بر تپه ها و زیر هر درخت سبز قربانی می گذرانید و بخور می سوزانید. آنگاه رصین، پادشاه آرام، و قحج، پسر رملیا، پادشاه اسرائیل، برای جنگ با اورشلیم برآمدند؛ و آحاز را محاصره کردند، اما نتوانستند بر او غلبه یابند. در آن زمان رصین، پادشاه آرام، ایلات را برای آرام بازپس گرفت، و یهودیان را از ایلات بیرون راند؛ و آرامیان به ایلات آمدند و تا امروز در آنجا ساکن شده اند. پس آحاز رسولانی نزد یغلت فلاسر، پادشاه آشور، فرستاد و گفت: «من بنده تو و پسر تو هستم؛ برای و مرا از دست پادشاه آرام و از دست پادشاه اسرائیل که بر من برخاسته اند، نجات ده.» و آحاز نقره و طلایی را که در خانه یهوه و در خزانه های خانه پادشاه یافت می شد، برگرفت و آن را به عنوان هدیه برای پادشاه آشور فرستاد. و پادشاه آشور سخن او را پذیرفت؛ زیرا پادشاه آشور بر ضد دمشق برآمد و آن را گرفت، و مردمش را به قیر به اسیری برد، و رصین را کشت. و آحاز پادشاه به دمشق رفت تا یغلت فلاسر، پادشاه آشور، را ملاقات کند، و مذبوحی را که در دمشق بود دید؛ و آحاز پادشاه صورت آن مذبوح و نقشه آن را، مطابق تمامی صنعتش، برای اوریای کاهن فرستاد. و اوریای کاهن مذبوحی بنا کرد، موافق هر

آنچه آحاز پادشاه از دمشق فرستاده بود؛ پس اورپای کاهن آن را پیش از آنکه آحاز پادشاه از دمشق بازآید، ساخت. و چون پادشاه از دمشق آمد، مذبح را دید؛ و پادشاه به مذبح نزدیک شد و بر آن قربانی گذرانید. و قربانی سوختنی و هدیه آردی خود را سوزانید، و هدیه ریختنی خود را ریخت، و خون قربانی‌های سلامتی خود را بر مذبح پاشید. و مذبح برنجین را نیز که در حضور یهوه بود، از پیش روی خانه، از میان مذبح و خانه یهوه، آورد و آن را در جانب شمالی مذبح نهاد. و آحاز پادشاه اورپای کاهن را امر فرموده، گفت: «بر مذبح بزرگ، قربانی سوختنی بامداد و هدیه آردی شامگاه، و قربانی سوختنی پادشاه و هدیه آردی او، و نیز قربانی سوختنی تمامی قوم زمین و هدیه آردی ایشان و هدیه‌های ریختنی ایشان را بسوزان؛ و تمامی خون قربانی سوختنی و تمامی خون ذبیحه را بر آن بپاش؛ و مذبح برنجین برای من باشد تا به وسیله آن استفسار کنم.» و اورپای کاهن موافق هر آنچه آحاز پادشاه امر فرموده بود، عمل کرد. و آحاز پادشاه حاشیه‌های پایه‌ها را برید، و حوضچه را از روی آنها برداشت؛ و دریا را از روی گاوان برنجینی که زیر آن بودند پایین آورد، و آن را بر فرشی از سنگ‌ها نهاد. و سایبان سبت را که در خانه ساخته بودند، و مدخل بیرونی پادشاه را، به سبب پادشاه آشور، از خانه یهوه برگردانید. دوم پادشاهان 16:2-18.

پادشاه آشور نمایانگر پادشاه شمال است، که نمادی از پاپیت می‌باشد. آحاز شریر، رهبر تحت‌اللفظی یهودا، یعنی سرزمین جلال تحت‌اللفظی، بود. هنگامی که اشعیا و پسرش نزد او در مجرای برکه بالایی، نزدیک مزرعه رخت‌شویان، با این پیام که «باقی‌مانده‌ای بازخواهد گشت» رفتند، آن پادشاه شریر در بحران یک جنگ داخلی میان شمال و جنوب قرار داشت. در آن بحران، او پیامی را که خدا از طریق نبی، اشعیا، عرضه کرده بود رد کرد، و برای حفاظت به سوی پادشاه تحت‌اللفظی شمال دست دراز کرد.

د صُحیفِ اوووم باب داسې صحنه ان‌خوړوي چې د روحاني جلالې ځمکې یو مشر د کورنۍ جگړې په مهال، د خدای پر ځای، له پاپیت سره د ائتلاف لپاره لاس غځوي. د خدای پر وړاندې د آحاز بغاوت په دې سره تمثیل شوی چې هغه د شمال د پاچا لیدو ته ځي، د شمال د پاچا د خدای د معبد یوه بڼه جوړوي، او د هماغه معبد هغه بڼه په اورشلیم کې لوی کاهن ته لېږي؛ نو هغه بیا د خدای د مقدسې حرم پر سپېڅلو ساحو کې د هغه جعلی معبد یو نقل ودروي. شریر پاچا آحاز د دولت استازیتوب کوي، او د لوی کاهن همکاري د کلیسا او دولت د یوځای کېدو استازیتوب کوي.

آن شورش تحت‌اللفظی، نمایانگر شورش رهبر سرزمین جلال روحانی است که خدمت عبادی پاپیت را (پادشاه شمال) عیناً تکرار می‌کند و عبادت حقیقی قدس خدا را متوقف می‌سازد. شورش آحاز نمایانگر رهبری ایالات متحده است که در سرزمین جلال، هیכלی جعلی برپا می‌کند که نسخه‌ای از هیکل پادشاه شمال است.

تنظیم نبوتی اشعیا باب هفتم در حکم آغاز شصت و پنج سال نخست وحش زمینی است، و به‌طور مستقیم‌تر، دوره پایانی وحش زمینی را نیز نشان می‌دهد. از تنظیم نبوتی اشعیا باب هفتم نور فراوانی می‌توان برگرفت، اما در این مقام ما صرفاً از این اصل استفاده می‌کنیم که مسیح پایان یک چیز را با آغاز آن به تصویر می‌کشد. ما در اینجا این تطبیق را به کار می‌بریم، نه چندان برای آنکه به ژرفای پیامدهای بستر تاریخی اشعیا باب هفتم فرو رویم. ما مشخص می‌سازیم که هنگامی که شاخ جمهوری‌خواهی مرتد با شاخ پروتستانیسم مرتد متحد می‌شود، این نموداری از برپایی یک هیکل جعلی است.

برپا شدن هیکل جعلی، که بر الگوی هیکل پادشاه شمال ساخته شده است، نمایانگر آن دوره‌ای از تاریخ است که در آن صورت وحش تشکیل می‌شود؛ و این آزمون عظیم برای قوم خداست که به وسیله آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد.

«خداوند به روشنی به من نشان داده است که صورت وحش پیش از بسته شدن در فیض تشکیل خواهد شد؛ زیرا این همان آزمون بزرگ برای قوم خدا خواهد بود که به وسیله آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد.»

«این آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مَهر شوند، از آن بگذرند. همه کسانی که با نگاه داشتن شریعت او و امتناع از پذیرفتن سبت جعلی، وفاداری خود را به خدا ثابت کرده اند، زیر پرچم یهوه، خداوندگار خدا، قرار خواهند گرفت و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. اما آنان که حقیقت با منشأ آسمانی را واگذارند و سبت یکشنبه را بپذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 976.

ادونتیست های روز هفتم، که «قوم خدا»ی لائودیکیه هستند، دارای «آزمونی عظیم» اند که پیش از بسته شدن زمان آزمایش رخ می دهد. این «آزمون»ی است که آنان باید «پیش از آن که مهر شوند» از آن کامیاب بیرون آیند. مهر خدا و بسته شدن زمان آزمایش در هنگام قانون یکشنبه واقع می شود. تشکیل تصویر وحش در دوره ای رخ می دهد که به قانون یکشنبه منتهی می شود و در آن به اوج خود می رسد. تصویر وحش و تشکیل آن حقیقتی است که سرنوشت ابدی ما را تعیین خواهد کرد. تشکیل آن تصویر به صورت پیوستن دو چوب برای ساختن یک ملت به تصویر کشیده شده است. پیوستن آن دو چوب در آغاز تاریخ ایالات متحده رخ می دهد و سپس بار دیگر در پایان آن. در آغاز، دو چوب به هم پیوستند تا شاخ پروتستان برقرار شود، و در پایان، دو چوب به هم می پیوندند تا شاخ جمهوری خواه برقرار گردد.

در تاریخ آغازین 1798 تا 1844، معبد شاخ پروتستان برپا شد. نوزده سال بعد، نخستین رئیس جمهور جمهوری خواه شاخ جمهوری خواه همچون بره سخن گفت، و بدین سان فرایند آزاد ساختن بردگان را آغاز کرد، اما این کار به بهای جان او تمام شد. بره خدا بر صلیب مرد تا نوع بشر را از بندگی گناه آزاد سازد، اما این نیز به بهای جان او تمام شد. صلیب همان اعلامیه آزادی بردگان است. در تاریخی که شاخ جمهوری خواه بردگان را آزاد می کرد، شاخ پروتستان نبوت بردگی را رد کرد. در تاریخ قانون یکشنبه، هنگامی که شاخ جمهوری خواه بردگی روحانی را از نو برقرار می سازد، شاخ پروتستان پیامی را اعلام خواهد کرد که اسیران را آزاد می سازد.

آخرین رئیس جمهور شاخ جمهوری خواه وحش زمین همچون اژدها سخن خواهد گفت، و چون چنین کند، شاخ حقیقی پروتستان به عنوان علم برافراشته خواهد شد. این امر در دو شاخ امپراتوری ماد و فارس لفظی و روحانی نمونه وار گردیده است. امپراتوری لفظی ماد و فارس دومین پادشاهی نبوت کتاب مقدس بود، و ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس امپراتوری روحانی ماد و فارس است. در کتاب دانیال، قوچ ماد و فارس دو شاخ داشت، همان گونه که ایالات متحده نیز دارد، اما شاخ دوم در آخر برآمد.

پس چشمان خود را برافراشتم و نگریستم، و اینک در برابر نهر، قوچی ایستاده بود که دو شاخ داشت؛ و آن دو شاخ بلند بودند، اما یکی از دیگری بلندتر بود، و آن که بلندتر بود، بعدتر برآمد. دانیال ۸:۳

در تاریخ نبوی وحش زمین و دو شاخ آن، شاخ پروتستان نخست شناخته شد، اما به جای آن که صعود کند و کار را به انجام رساند، به بیابان کوری لائودیکیه عقب نشست. در تاریخی که شاخ جمهوری خواه چون اژدها سخن می گوید و قانون یکشنبه را که به زودی خواهد آمد، به تصویب می رساند، شاخ حقیقی پروتستان سرانجام همچون علم برافراشته خواهد شد. تنها آن آدونتیست های روز هفتم لائودیکیه ای که آزمونی را که با تشکیل تصویر وحش نمود یافته است تشخیص دهند، هنگامی که مهلت فیض بسته شود، مهر خدا را دریافت خواهند کرد. پیامی که این فرایند آزمون را مشخص

می‌سازد، اکنون برای هر که بخواهد از آن بهره‌مند گردد، در حال گشوده شدن مُهر است.
و ایلیا نزد تمامی قوم آمد و گفت: تا به کی میان دو رأی مردد خواهید ماند؟ اگر خداوند خداست،
از او پیروی کنید؛ و اگر بَعَل، پس از او پیروی کنید. و قوم او را به یک کلمه نیز پاسخ ندادند. ۱
پادشاهان ۱۸:۲۱